

ضيافت معرفت

ویراست جدید

چهل درس اخلاقی از آیت الله قربانعلی درّی نجف آبادی



فهرست مطالب

- درس ۱: تدوین حدیث، ره توشه صراط کمال ۱۱
- درس ۲: ذکر الله، شاه کلید معرفت الله ۳۹
- درس ۳: قدم در وادی معرفت، پیش شرط طی طریق الی الله ۵۷
- درس ۴: معرفة النفس، پیش نیاز معرفة الرب ۶۳
- درس ۵: گذر از خویشتن خویش، طریق بندگی و خودسازی ۷۵
- درس ۶: طهارت و تهذیب نفس، شاهراه وصل ۸۳
- درس ۷: باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی ۹۱
- درس ۸: خلق، عیال خدا، خدمت به خلق، عبادت خدا ۹۹
- درس ۹: قرآن کریم و طلابه داران وادی ایمن ۱۰۵
- درس ۱۰: مقامات و منازل صابراین ۱۱۳
- درس ۱۱: مناقب و فضایل صابراین ۱۲۳
- درس ۱۲: صبر، شاخصه اولیاء الله، مفتاح الفرج ۱۳۳
- درس ۱۳: ثبات قدم در وادی صبر و حلم ۱۴۷
- درس ۱۴: شاهد یقین، مایه سکر ابدی و فیض سرمدی ۱۵۷
- درس ۱۵: صبر و یقین، آئین رهروی ۱۷۱
- درس ۱۶: شکرگزاری، عصارة فضایل و مکارم ۱۸۵
- درس ۱۷: پوشیدن ردای رضا، منتهای خشنودی خدا ۱۹۵

درس ۱۸: صبر و ارکان چهارگانه ایمان	۲۰۵
درس ۱۹: معرفت به نعمات الهی، سلوک عباد شکور	۲۱۷
درس ۲۰: شکرگزاری، منش عبادالله الرحمن	۲۳۱
درس ۲۱: انسان کامل، آیینۀ اسماءالحسنی ربوبی	۲۴۱
درس ۲۲: عقل و عشق در مدرسه شناخت اسماء الله الحسنی	۲۴۹
درس ۲۳: احیای قلب، اماتۀ نفس	۲۶۹
درس ۲۴: تفقه در دین، میعادگاه خرد	۳۱۱
درس ۲۵: برکات و ثمرات ایمان بالغه	۳۲۷
درس ۲۶: جایگاه صدق در آموزه‌های دینی	۳۴۳
درس ۲۷: حکمت و معرفت، رموز سعادت	۳۶۵
درس ۲۸: تربیت الهی و حیات طیبه انسانی	۳۷۹
درس ۲۹: اهل البیت علیهم السلام ، باب مدینه علم	۳۹۱
درس ۳۰: شب‌زنده‌داری و سحرخیزی در قرآن کریم	۴۰۱
درس ۳۱: شب‌زنده‌داری و سحرخیزی در روایات	۴۱۷
درس ۳۲: برکات شب‌زنده‌داری و سحرخیزی (۱)	۴۲۵
درس ۳۳: برکات شب‌زنده‌داری و سحرخیزی (۲)	۴۳۷
درس ۳۴: رمضان، طلوعه بندگی	۴۵۵
درس ۳۵: نقش‌آفرینی پیامبر صلی الله علیه و آله در بیداری عقول	۴۶۱
درس ۳۶: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، اسوه حسنه	۴۷۷
درس ۳۷: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، عقل کل	۴۹۳
درس ۳۸: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، مکارم اخلاق	۵۱۱
درس ۳۹: معادباوری، گواهان در قیامت	۵۲۹
درس ۴۰: معركة شهود در محشر	۵۵۳

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ وَ التَّاسِطِ فِيهِمُ بِالْجُودِ يَدَهُ
نَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ وَ نَسْتَعِينُهُ عَلَى رِعَايَةِ حُقُوقِهِ^۱

عالم وجود از عشق در تکاپوست؛ و هستی، رهین این کیمیای لایزال است. پرتو جمال حضرت دوست چنان می‌کند که کائنات و ذرات زمین و زمان، طی یک حرکت جوهری، رو به سوی او دارند و زمزمه می‌کنند:

آب حیات عشق را در رگ ما روانه کن آینه صبح را ترجمه شبانه کن^۲
گفته‌اند «عشق» را از «عشق» به معنای گیاه و بوته پیچک گرفته‌اند و آن گیاهی است که در باغ پدید آید، در بن درخت، اول بیخ در زمین سخت کند، پس سر بر آرد و خود را در درخت پیچد و همچنان بالا رود تا جمله درخت را فرا گیرد و چنانش شکنجه کند که نم در میان درخت نماند و هر غذا که به واسطه آب و هوا به درخت رسد، به تاراج برد تا آن گاه که درخت خشکیده شود؛ همچنان در عالم انسانیت که خلاصه موجود است، درختی است منتصب القامه که به حبه‌القلب پیوسته و حبه‌القلب در زمین ملکوت روید و هر چه دروست، جان دارند که: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۳
هر چه در صحن او مکان دارد تا به سنگ و کلوخ، جان دارد^۴

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۹۹.

۲. دیوان شمس.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۶۴.

۴. دیوان سنایی.

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»^۱

دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی^۲

و این حبه‌القلب دانه‌ای است که باغبان ازل و ابد از انبارخانه «الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ»^۳

در باغ ملکوت در چمن «قَلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»^۴ نشانده و به خودی خود آن را تربیت می‌نماید که: «قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ بَيْنَ أَصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ يَقْلِبُهَا كَيْفَ يَشَاءُ»^۵

«قلوب مؤمنان بین دو انگشت از انگشتان خدای رحمان است، آنرا هرگونه که خواست منقلب و متحول می‌نماید. آری قلب مؤمن مظهر عشق و اراده‌ی خداوند مهربان است و با امر و اراده‌ی او تحول می‌یابد.»

آری! عشق الهی چونان شجره‌ی طیبه‌ای در قلب مؤمن، طریق رشد می‌پیماید؛ سرایای وجود مؤمن عاشق را درمی‌نوردد و از خود تهی و از دوست سرشار می‌سازد که «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^۶

چنان بشاشت و طراوتی را در صفاخانه‌ی دل می‌پراکند که هیچ باغی و راغی و هیچ چمنزار و مرغزاری را یارای هموردی آن نیست.

عشق به بازار روزگار برآمد	دمدمه‌ی حُسن آن نگار برآمد
عقل که باشد کنون چو عشق خرامید	صبر که باشد کنون چو یار برآمد
نام دلم بعد چند سال که گم بود	از خم آن زلف مشکبار برآمد ^۷

امید آن که نور عشق بر قلب ما بتابد و ریشه‌ی دواند و ولوله و آواز آن در معركة‌ی جان و ملک وجود بالا بگیرد و روح را از نفحات قدسی برخوردار سازد و حُبّ جیفه‌ی

۱. سوره‌ی اسراء، آیه ۴۴.

۲. دیوان هاتف اصفهانی.

۳. مصابیح الشریعه، ص ۱۵۶ و سفینه‌ی البحار، ص ۱/۵۳۷.

۴. سوره‌ی اسراء، آیه ۸۵.

۵. ینبوع الأسرار فی نصاب الأبرار، خوارزمی، ص ۳۱۹ و کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۴، ص ۳۸.

۶. سوره‌ی بقره، آیه ۱۶۵.

۷. رساله‌ی مونس العشاق، شهاب‌الدین سهروردی.

مریحه دنیا که الدنیا جیفه و طالبها کلاب^۱ به فرمایش امام علی علیه السلام، فریب دهنده (تَضَرُّ)، ضررزننده (تَضَرُّ) و رونده (تَمَرُّ) است و دکان داری های خو گرفته مان را از صفحه دل بزدايد که به قول حافظ رحمته الله:

از دل و جان شرف صحبت جانان غرض است غرض این است و گرنه دل و جان این همه نیست^۲
چهل درس اخلاقی تقدیمی را در کمال تواضع به ساحت عاشقان حضرت دوست پیشکش نموده و از همگان، دعای خیر برای تحصیل توفیق و سعادت دنیا و عقبی مسألت دارم.

از همه عزیزانی که مخلصانه برای انتشار این مشق عاشقی اهتمام ورزیدند خصوصاً از همسر صبور و فرزندانم که صرف وقت مرا تحمل نمودند، از برادر فرهیخته و دوست دیرین، جناب آقای علی اکبر اشعری و نیز جناب آقای محسن چینی فروشان مدیرعامل محترم دفتر نشر فرهنگ اسلامی و همکاران ایشان آقایان مهدی باقری، غلامرضا امامی که بی دریغ برای چاپ شایسته کتاب همت گماشتند، از آقای محمد صالح نقره کار که مجدانه تنظیم و تدوین اولیه کتاب را برعهده گرفتند و از اندیشمند فرزانه و خدوم جناب آقای برازش دام عزه که در ویراستاری چاپ دوم کتاب زحمت و افری را عهده دار شدند، صمیمانه سپاسگزارم و امیدوارم این تلاش ناچیز، مرضی حضرت حق و مورد توجهات حضرت ولی عصر (عج) قرار گرفته و توفیق عمل به این حقیر و خوانندگان گرامی عنایت فرماید تا مشمول توصیف مولی علی علیه السلام باشیم که:

«الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَا دَارَ مَقَرٍّ وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْقَعَهَا وَ رَجُلٌ ابْتِاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا»^۳

«دنیا گذرگاه است، نه خانه پایداری. مردم در این دنیا بر دو گروهند، مردی که نفس خود را فروخت و خود را به هلاکت انداخت و مردی که نفس خود را خرید و آن را آزاد کرد.»

۱. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۸۹.

۲. دیوان حافظ.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳.

از زبان دوست شنو داستان دوست
 باشد کلام دوست مبراً ز هر لغت
 بیرون بود ز جمله نشان‌ها کزو دهند
 به ز آستان دوست سرما ندیده جای
 یا از زبان آنکه شنید از زبان دوست
 هست این لغات مختلف از ترجمان دوست
 اینست پیش دوست‌نشانان نشان دوست
 تا سر به جا بود، سر ما و آستان دوست^۱
 از خداوند متعال می‌خواهم که به همه ما توفیق مجاهدت در راه خودش را عنایت
 فرماید تا به قرارگاه امن الهی و نزد ملیک مقتدر بار یافته و مشمول رضایت حضرت
 کریم علی‌الإطلاق قرار گیریم. انشاءالله که ﴿وَرَضُواْ مِنْ اللّٰهِ اَکْبَرُ﴾^۲
 خداوند اسلام و مسلمین را نصرت عنایت فرماید و شر استکبار و صهیونیسم و
 مرتجعان وابسته و آلوده را از سر مسلمانان کوتاه و بر علوم درجات امام (قدس سره) و
 شهدا بیفزاید و سایه بلند پایه علما و مراجع بویژه رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی را بر
 سر ملت ما و امت ما مستدام بدارد.

بند و کرمه

مجلس دعای خیر - ارواحند

قرآنعلی دبی نجف آبادی

ارکان امید سید محمد ۱۳۳۵

۱. عبدالرحمن جامی.

۲. سوره توبه، آیه ۷۲.